

تظاهرات مردم سندج علیه جمهوری اسلامی و مضحکه انتخابات

* نمایش انتخابات در شهرهای کردستان با تحریم مردم روبرو شد

ژاندارمری، دبیرستان کمال، منطقه البرز، مجبورآباد، کلهرآباد، امیرآباد، بیشتر از ۲ تا ۳ نفر دیده نمیشود. نیروهای رژیم با ماشین در شهر گشته تا مردم را به محل صندوقهای رای برسانند. این ترفندها موثر نیفتاده‌اند.

مربوان: حوزه‌های انتخاباتی بسیار خلوت است و بعضا ۲ تا ۳ نفر دیده میشود که رای میدهند.

نقده و اشنویه: دور صندوق‌ها خالی است. تعداد کمی هستند که رای میدهند و عمدتا رژیمی هستند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ خرداد ۱۳۸۰
۸ ژوئن ۲۰۰۱

آباد، سه آشان، و محله‌های دیگر هیچ صف رای گیری دیده نشده است.

سقز: در حوزه‌های انتخاباتی کریم آباد، شهناز، مسجد خانقاه و بازار حداکثر جمعیت حدود ۱۵ نفر بودند. مسئولین حوزه‌های انتخاباتی کسانی را که رای میدادند نگه میداشتند تا مردم دیگر تشویق به رای دادن شوند. باقی محلهای رای گیری وضعیت مشابهی داشته‌اند.

بوکان: حوزه‌های انتخاباتی سوت و کور است. دسته‌های جوانان مردم را تشویق میکنند که رای ندهند. بیشترین جمعیت در حوزه سازمان تبلیغات اسلامی بود که ۱۵ نفر بودند. در محله

با دخالت مردم مجبور به آزادی دستگیر شدگان میشوند. طبق اخبار رسیده از ساعت ۳ بعد از ظهر در این اماکن صندوقهای رای گیری برچیده شدند. اخبار رسیده از دیگر شهرهای کردستان حاکی از آنست که مردم انتخابات رژیم را تحریم نموده‌اند، محوطه‌های رای گیری خلوت بوده و بویژه از ظهر به بعد مراجعه برای رای دادن بسیار اندک بوده است. اخبار رسیده از بعضی شهرها به شکل زیر است.

مهاباد: تقریبا همه محلهای رای گیری با مراجعه محدود مردم روبرو بوده‌اند. محافظین صندوقها از مردم خواست‌اند که فقط برگه‌های رای را بگیرند و اگر نمیخواهند لازم نیست اسم کاندیدی را هم بنویسند، مردم با تمسخر به مامورین رژیم گفته‌اند امسال رای چندانی در صندوقها ریخته نشده و حمل آنها سبک و راحت است. در محلات مجبور

سندج: رژیم اسلامی همه تدابیر امنیتی لازم را تدارک دیده بود و نیروهای سرکوبگر در آماده باش کامل بودند. دسته‌هایی از مردم و جوانان در اطراف مراکز رای گیری از مردم میخواستند که در انتخابات شرکت نکنند. مراکز رای گیری در سندج با تحریم گسترده روبرو بود. مردم معترض از ساعت ۲ و نیم بعد از ظهر با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و زندانی سیاسی آزاد باید گردد، در میدان اقبال، خیابان فرح و انتهای سیروس دست به تظاهرات زدند. در میدان اقبال حدود ۲۰۰۰ نفر و در فرح و انتهای سیروس نزدیک به ۲۵۰۰ نفر تجمع نموده و علیه جمهوری اسلامی و مضحکه انتخاباتی شعار میدادند. نیروهای سرکوبگر رژیم در فرح و میدان اقبال برای متفرق کردن مردم معترض اقدام به تیراندازی هوایی میکنند و بیش از ۵۰ نفر را دستگیر کرده که

جوانان مبارز مهاباد

ستاد انتخاباتی فلاحیان

را به آتش کشیدند

صفحه ۴

جلسه گفت و شنود

تاجزاده در سندج

بهم خورد

صفحه ۴

طول موج

رادیو انترناسیونال هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۲۵ متر برابر با

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

و

۱۱۹۰۵ (فرکانس جدید)

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

ایسکرا

سرمدپیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گиро: ۲-۱۶۷۸۴۷۱

قوم پرستی این گروه عیان است



رحمان حسین زاده

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

قوم پرستی این گروه عیان است

گفتگوی رادیو انترناسیونال (بخش کردی) با رحمان حسین زاده در مورد ماهیت باند ایلخانی - مهتدی

هاله طاهری: اخیرا جماعت انشعابی از کومله طی گفتارها و اطلاعیه‌هایی به تبلیغات دشمنانه و ارتجاعی علیه حزب کمونیست کارگری و کومله دست زده‌اند. علت این برخوردهای آنها را در چه میبینید؟

رحمان حسین زاده:

مقدمتا این را بگویم که این گفتارها و اطلاعیه‌هایشان بر علیه ما و کومله این خاصیت را داشت که دست خود را رو کرده و خود را افشا نمودند. جهت اطلاعات ما اطلاعیه آنها را با یک توضیح کوتاه بازتکثیر نموده‌ایم. این باند با زبان و قلم خود، سیاه روی سفید قوم پرستی و فالانژیسم خود را عیان نمودند. نشان دادند باندی هستند که حرف سیاسی مخالفین خود را تحمل نمی کنند و ضد آزادیهای سیاسی بوده و بر طبق منافع خود ظرفیت دست بردن به ماجراجویی نظامی و تهدید و ترور را دارند. بنا به همین ماهیت فالانژیستی و ارتجاعی حاضرند القابی مثل "خائن" و "ضدانقلاب" را از سران جمهوری اسلامی و اطلاعات سپاه پاسداران به عاریت گرفته و به طرف کمونیستها و رهبران کمونیست و حزب کمونیست کارگری پرتاب کنند. تبلیغات و رفتار آنها اعتراض نزدیکان و دوستان متوهمشان را به همراه داشته است. اما علت بر زبان آوردن این هذیانها را باید در این حقیقت دید که در عرصه سیاسی باختند. دلایل آن را میتوان چنین برشمرد.

اولا: سرکردگان این باند آقایان ایلخانی زاده و مهتدی خود نوشته‌اند که بیست سال گذشته آنها چیزی جز شکست و ناکامی نبوده است. به نظر خودشان برای پایان دادن به ناکامیهایشان از کومله انشعاب کردند و اسم آن را گذاشتند "پره بازسازی کومله

". پره بازسازی "سقط" شد و از همان ابتدا مهر شکست بر پیشانی آن حک شد. آنها فکر میکردند که با انشعاب خود نیروی قابل توجهی از کومله را با خود میبرند و در میان طیف پاسیو ناسیونالیستهای خارج کشور هم برو و بیایی خواهند داشت، چنین نشد و اجبارا با نیروی کوچکی از کومله رفتند و در میان ناسیونالیستهای خارج هم به قول منصور حکمت بعد از چراغانی روزهای اول آب از آسیاب افتاد و چیز دندان گیری به دست نیاوردند. دو ما دخالت روشن و هوشیارانه رهبری حزب کمونیست کارگری و کادرهای آن در افشای ماهیت آنها و برخورد فعال به توطئه‌گریهایشان در جریان کنگره کومله و انشعابشان عامل مهمی در ناکامیهایشان در داخل و خارج بوده است. بویژه سخنرانی منصور حکمت در مورد ماهیت آنها و راه برون رفت کومله از بحران فعلی در انجمن مارکس چنین پیداست که برایشان گران تمام شده و با هیستری ضد کمونیستی و کینه توزی زایدالوصف به فکر تخفیف اثرات آن هستند. و عامل دیگر اینکه از میزان نفوذ و حضور فعال کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری در شهرهای کردستان مطلعند. نقش جریان ما را در اعتراضات دوره اخیر شهرها و ماه مه و ۸ مارس و غیره دیده‌اند و برایشان غیر قابل تحمل است و نکته آخر در محاسبات خود به این فکر کرده‌اند که یک بار دیگر به چه چرخیدن کومله و طبیعتا نزدیکی آن با حزب ما برایشان نگران کننده است. از وجود مناسبات عادی و نرمال بین ما و کومله و پایان "فضای نفرتی" که علیه کمونیسم کارگری ایجاد کرده بودند، هراس دارند. مجموعه این عوامل را در کنار هم میچینند و دستپاچه

شده و این چنین چشمان خود را بسته و دهان باز کرده و شکر شکنی میکنند.

هاله طاهری: به نظرت چه هدفی را از این کار خود تعقیب میکنند؟

رحمان حسین زاده: هدف اصلیشان تهدید و مرعوب کردن کومله است که وارد مناسبات عادی و نرمال با حزب کمونیست کارگری نشود و به زعم خودشان راه چنین پروسه احتمالی را دشوار سازند و در همین رابطه با مطرح کردن مسئله نزدیک شدن کومله به کمونیسم کارگری، رسما شکایتشان را از کومله نزد اتحادیه میهنی و جناب "مام جلال" برده تا آنها را علیه کومله تحریک کنند(۱). در همین راستا با اینکارها میخواهند با نام "کومله" خود را به کومله تحمیل کنند که به رسمیتشان بشناسند و با آنها مناسبات سیاسی تنظیم کنند؟! اینها برای تحقق این اهداف رذیلانه با بیان شارلاتانی "ادامه تبلیغات ناروا در شرایطی که هر دو طرف نیروی مسلح داریم" رسما کومله را تهدید نظامی نموده‌اند. همه آنهايي که با رویدادهای سیاسی دو دهه اخیر کردستان آشنا هستند، بیاد دارند این عین جمله‌ایست که زمانی حزب دمکرات علیه کومله میگفت و به دنبال آن علیه کومله جنگ راه انداخت، که امروز بیشرمانه به تکرار آن میپردازند. طبعاً میدانم اینها از آنچه موقعت نظامی هم برخوردار نیستند که کسی مستقلا برای خودشان حسابی باز کند اما گفتم اینها به نیروهای مسلح "برادر بزرگوارشان مام جلال" متکی هستند. این را نباید دستکم گرفت.

هاله طاهری: عکس‌العمل کومله چگونه بوده است؟

رحمان حسین زاده:

عکس‌العمل تاکنونی کومله بسیار دفاعی و تاسف آور است. در مقابل تهدید و جنگ افروزی این جماعت علیه‌شان، در مقابل تبلیغات دشمنانه و کثیف آنها، در مقابل سرقت نام کومله، به دفاع از آزادی فعالیت سیاسی "بیگانگان" در کردستان همت گماشته‌اند. دفاع از آزادی فعالیت سیاسی امری مثبت و فرض هر جریان مترقی است. اما اینجا مساله بر سر این موضوع نیست.

جریانی که با سرقت نام "کومله" قصد زیر پا خالی کردن خود کومله را دارد، قوم پرستی آنها بنا به همین اطلاعیه خود کومله عیان است، شاخ و شانه کشیدن نظامی آن علیه کومله با اتکا به اتحادیه میهنی انکارناپذیر است. توطئه‌گریهای آنها در جریان کنگره و مدتها قبل از کنگره و جیره و مواجب گرفتن برای "پروژه بازسازی" بر کسی پوشیده نیست، به جای یک تعرض سیاسی همه جانبه از جانب کومله برای افشا و غیر مشروع نمودن آنها تحت نام کومله در جامعه کردستان با اندرز "آزادی فعالیت سیاسی را رعایت کنید" روبرو هستند. محافظه‌کاری مزمز و بی خطی و خوش خیالی ساده انگارانه و رهبری کومله و عدم توجه به عمق رویدادی که قبل از همه علیه خود کومله در جریان است، چنین برخورد غیر فعال آنها را موجب شده و آن را هم توجیه میکنند.

هاله طاهری: این جریان نام کومله را بر خود گذاشته‌است، حزب کمونیست کارگری اعلام کرده که این "سرقت" نام کومله است و خود کومله هم آنها را به این عنوان به رسمیت نمیشناسد. در این رابطه توضیح بیشتری بدهید؟

رحمان حسین زاده:

واضح است که اینها دارو دسته توطئه‌گریند که با نیروی کوچکی کومله را ترک کرده‌اند با هر معیاری که بسنجی ربطی به

کومله ندارند. بگذارید از چند جنبه قضیه را بررسی کنیم. به لحاظ اهداف و سیاست سرکردگان اینها کتا ۲۰ سال گذشته کومله را نه تنها قبول ندارند بلکه پروژه‌شان را علیه آن بازسازی نموده‌اند. از قبل از کنگره دوم کومله که خط سیاسی اتحاد مبارزان کمونیست و شخص منصور حکمت به درون کومله راه پیدا کرد و بعد از آن کنگره‌ها و مصوبات کومله را تماما تحت تاثیر خود قرار داد، از نظر اینها مردود اعلام شده است. از اینها پرسیدنی است که کدام کنگره و کنفرانس و مقاطع و دوره حیات سیاسی کومله را قبول دارند و یا نمایندگی میکنند؟ برای مثال در کومله چپ و رادیکال، سوسیالیسم و سرنگونی جمهوری اسلامی همیشه دو رکن اصلی اهداف سیاسی این جریان بود، چه کسی است که نداند هردوی این اهداف از جانب این جماعت به بایگانی سپرده شده‌اند و اخیرا آقای ایلخانی زاده یکی از سخننگویان اصلی این دارو دسته (و به نظر من سرکرده اول آنها) در مصاحبه رادیویی و در جلسه علنی کلن آلمان، برقراری سوسیالیسم در ایران و کردستان را پولپوتیسم (تکرار بیشرمانه اراجیف حزب دمکرات علیه کومله چپ) خوانده است. در هر حال واضح است که به لحاظ اهداف و سیاست ربطی به تاریخ دو دهه اخیر کومله ندارند.

به لحاظ ماتریال کادری و شخصیتها و عناصر هدایت کننده و سازنده کومله رادیکال و کمونیست، اکثریت قاطع آن از کومله جدا شده و در حزب کمونیست کارگری متشکلند. خود اینها به عنوان اقلیت کوچکی از کومله فعلی انشعاب کردند، و به این لحاظ

قوم پرستی...

هم ادعای آنها بيمورد است. از یک جنبه دیگر احتمالا آقای مهتدی حضور خود را در جمع بنیانگذاران کومهله به معیاری برای متقاعد کردن صفوف خود در استفاده از نام کومهله بکار ببرد. هر چند این معیاری سیاسی و تشکیلاتی جدی به حساب نمی آید اما در جواب آقای مهتدی اگر همین را هم معیار قرار دهیم یادشان رفته است که چند بنیانگذار دیگر همچون خود او هم اکنون در حزب کمونیست کارگری و کومهله حضور دارند. اما آقای مهتدی بدون هیچ موجبی خود را پدر خوانده کومه له میبندد و گویا هر جا جنابشان حضور داشته باشند کومهله در آنجا حلول میکند. صرفنظر از جاه طلبیهای اشرف منشانه جناب مهتدی و اینکه نسبت به بقیه خود را "پرنس کومهله و کردستان" میدانند اما این شیوه برخورد دو علت مهم سیاسی دارد اول بی‌بضاعتی سیاسی آنان را نشان میدهد، چون حرف و پلاتفرم سیاسی جدی ندارند، پس توان برپا کردن سازمان سیاسی جدیدی بر مبنای حرفهای امروز خود را ندارند، در نتیجه به گذشته و به اسم "کومهله" به عنوان سرمایه سیاسی چسبیده‌اند، مثل اینکه فهمیده‌اند درپناه بردن به گذشته میتوانند موجودیتی برای امروز خود دست و پا کنند. دوم اینکه در خدمت به همین گذشته پرستی برای خیلی‌ها و بویژه این دارودسته کومهله نه یک سازمان سیاسی بلکه "معبدمقدس" است که به هر قیمت باید آن را پرستید. لازمه این "مقدس سازی" بی منطق قبل از هر چیز تهی کردن کومهله از محتوای سیاسی و طبقاتی است که با آن شناخته میشود به این ترتیب سهل نمودن به حراج

گذاشتن آن اهداف طبقاتی و کمونیستی است که الهام بخش مبارزه یک نسل کمونیستها در کردستان بود. پشت کردن آشکار ایلخانی و مهتدی و دارودسته مفلوکشان به این اهداف در همین راستاست. کومهله کمونیستی قابل احترام بوده و هست، ولی اینها بدانند که ما کمونیستها هر "بنجلی" را با سو استفاده از نام "کومهله" سرهم بندی کردن و به مردم قالب کردن، افشا و رسوا میکنیم.

و بد نیست همین جا به یک سو استفاده به شدت رذیلتانه آنها از لیست جانبختگان کمونیست درون کومهله و حزب کمونیست اشاره کنم. اینها با رذالت تمام به خود اجازه میدهند جانبختگان کمونیستی را که با شعار زنده باد کمونیسم و زنده باد حزب کمونیست جانبختند به خود منتسب کنند و همزمان اهداف آنها سوسیالیسم و تجربه حزب کمونیست را مردود اعلام کنند. اینها به خود اجازه میدهند خاطره آنها را یادآوری کنند و عضویت آنها در حزب کمونیست را مخفی کنند. اینها به خود اجازه میدهند بر مزار کمونیستهای عزیز بمباران شیمیایی "بوتی" حضور پیداکنند، عضویت آنها در حزب کمونیست ایران را لاک میزنند صرفنظر از اینکه همگی آنها عضو حزب کمونیست ایران بودند اما چند تن از آنها حتی نه در سازمان کردستان حزب بلکه عضو تشکیلات سراسری حزب بودند. اینها به خود اجازه میدهند اسامی رفقای جانبخته به دست حزب دمکرات را به خود منتسب میکنند و در یادآوری خاطره‌هایشان از اشاره به حزب دمکرات به عنوان قاتل آنها خودداری کنند. برای نمونه آیا اینها حاضرند یکباردیگر اعلام کنند رفقای جانبخته‌ای چون خالد غفاری و سلیمان محمدی به چه شیوه‌ای به دست جانبختگان

حزب دمکرات اعدام و ترور شدند؟ به قول کورش مدرسی جمهوری اسلامی و حزب دمکرات یکبار جسم و فیزیک این رفقا را با گلوله گرفتند، اینها برای بار دوم اهداف و آرمان و عقاید آنها را نشانه رفته و میگیرند. برآستی عمل کثیفی است!!

اما مطمئن باشند حزب کمونیست کارگری و همقطاران کمونیست آنها این عمل رذیلتانه را رسوا خواهند کرد، به نظر همه خانواده‌های جانبختگان کمونیسم، و هر کس اهداف و عقاید رفقای جانبخته را ارج میگذارد محق است اینها را رسوا نماید. عقاید و اهداف کمونیستی یک نسل کمونیستهای جانبخته قابل مصادره نیست.

هاله طاهری: در تبلیغات حزب این جریان به عنوان باند سیاه و فالانژ و گروه قوم پرست و ارتجاعی معرفی میشوند، اگر ممکن است دلایل آن را بیشتر توضیح دهید؟

رحمان حسین زاده: ببینید این جماعت به شیوه نرمان سیاسی، حال با هر هدفی، بوجود نیامدند. اینها به شیوه کودتا و با روشهای گروگانگیری و عشیرهای و زیر سایه اتحادیه میهنی و به دست طالبانی بوجود آمدند. از نیازهای عاجل و ضروری جنبش خاصی نشأت نگرفتند. شکست خوردگان دو دهه مبارزه سیاسی در کشورهای متمدن قاعدتا کناره میگیرند و مشوعیت راه اندازی سازمان و حرکت سیاسی جدی را ندارند. از قبل از انشعاب و تا این لحظه هم فاقد برنامه و اساسنامه و موازین تعریف شده یک سازمان نرمان هستند. پس محق هستیم به همان شکلی که هستند به عنوان باند توطئه‌گر و دارودسته بی پرنسب از آنها نام ببریم. تنها پلاتفرم اعلام شده آنها "فدرالیسم" بر اساس قومیت است که چیزی جز تقسیم بندی قومی و اعلام جنگ و کشمکشهای قومی

در فردای تحولات ایران نیست. این پلاتفرم قوم پرستانه است و در ادبیات حزب ما نسبت به چنین پدیده‌های هشدار داده‌ایم و در فرصتهای دیگر بیشتر به آن باید پرداخت. علاوه بر این فاکنتهای زیادی وجود دارند که عمق قوم پرستی آنها را نمایان میکند، تنها به یک نمونه اشاره کنم، در اولین اطلاعیه بعد از پاگرفتن این جریان، دانش آموزان و محصلین کردستان را در آغاز سال تحصیلی به این فراخوانند که هفته اول را فقط به کردی صحبت کنند، اسم این را گذاشتند مبارزه برای آزادی زبان!!!، اما چه کسی هست متوجه معنای عمیق قومپرستانه و نژاد پرستانه این اصطلاح فراخوان نشود.

معنای زمینی چنین فراخوانی یعنی جواب سلام و علیک معلمها و محصلان غیر کرد محیط آموزشی کردستان را ندهید. آیا این چیزی جز باد زدن کینه قومی است؟ یا اینکه در تبلیغات رادیویی بر سر تعیین مرز "کردستان فدرال" مورد نظرشان با همان کومهله‌ای که چندی قبل از آن جدا شده‌اند، درگیر شده و دارند بر سر تعیین این مرز که ایلام و کرمانشاه را هم در برگیرد یا نه امروز دعوی سیاسی و فردا اگر بتوانند جنگ نظامی راه بیندازند. همین ها کافی است تا ماهیت قوم پرستانه آنها را نشان دهد. شکر شکنی‌های اخیرشان علیه حزب کمونیست کارگری و تهدیداتشان علیه کومهله، تصویر از آنها را به مثابه یک جریان باند سیاه مسلح و فالانژ تکمیل میکند. با این وصف زمان زیادی نمیخواهد که همه این مشخصات را به عریانترین شیوه و جلو چشم ناباوران متوهم بیشتر مشاهده کنیم.

هاله طاهری: در اطلاعیه شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب از آنها به عنوان

"باند سیاه حلقه بگوش طالبانی" نام برده‌اید. دلیل این اسم گذاری چیست؟

رحمان حسین زاده:

از رابطه سنتی سرکردگان این جماعت ایلخانی و مهتدی و ارادتی که به عنوان "استاد و بزرگوار" خود برای جلال طالبانی دارند صرفنظر میکنم. لازمست انسان به همین وقایع دو سال اخیر که منجر به "پروژه بازسازی" آقایان شد با انصاف نگاه کند تا درستی این ادعای ما را بداند. جناب مهتدی در دوره بحران خلیج جهت گیری خود را به سمت اتحادیه میهنی و طالبانی احیا نمود و در ده سال بعد از جدایی جریان ما در درون کومهله تلاشهای زیادی نمود و بی نتیجه هم نبود. هم اکنون پلاتفرم فدرالیسم برای کردستان را رسماً از جناب طالبانی کپی نموده است. از یکسال قبل و شاید پیشتر هم با همفکری صلاح مهتدی مشاور نزدیک طالبانی رسماً وارد رابطه طرح ریزی انشعاب از کومهله شدند و در این زمینه ملزومات مالی و فنی فراهم شد و تا آنجا که یک مورد همگان اطلاع پیدا کرده‌اند، چیزی حدود صد هزار دلار به چنین طرحی اختصاص یافت و بدون اطلاع کمیته مرکزی و دبیر اول کومهله در اختیار مهتدی ایلخانی قرار داده میشود، که علنی شدن اتفاقی آن به رسوایی مالی مهتدی منجر میشود و مجبور به استعفا از کمیته مرکزی میگردد. در مقطع انشعاب، اتحادیه میهنی و طالبانی عامل فشار اینها علیه کومهله بود و جنایتکارانی چون نوشیروان مصطفی و جبار فرمان مشاورین آقایان ایلخانی و مهتدی بودند.

هم اکنون هم موجودیت آنها با حمایتهای مادی و فنی اتحادیه میهنی در کردستان عراق تامین شده است و در



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

قوم پرستی...

مقابل جانبداری آشکار سرکردگان این جریان در تحولات سیاسی منطقه از اتحادیه میهنی جوابی به این حمایت‌های بیدریغ جریان ارتجاعی اتحادیه میهنی است. (برای نمونه به موضع مهتدی در جانبداری از اتحادیه میهنی در مقابل پ.ک.ک به پیامهای اخیر ایشان به "برادر بزرگوار مام جلال" به مناسبت‌های مختلف نگاه کنید) واقعیت اینست اتحادیه میهنی به دلایلی که در حوصله این گفتگو نیست به جریان مشابه خود در کردستان ایران احتیاج دارد و این جماعت را برای اینکار مناسب تشخیص داده است. به این دلایل ما آنها را به عنوان دست ساز اتحادیه میهنی افشا میکنیم و تا آنجا هم که به عبارت "باند سیاه حلقه بگوش طالبانی" مربوط است که در اطلاعیه شورای کادرهای تشکیلات کردستان به آن اشاره شده، به نظر من این اتیکت و شعاری برارنده واقعیت آنهاست که تصمیم گرفته‌ایم در کردستان آن را جایبندازیم.

هلاله طاهری: در خاتمه سیاست حزب در برخورد به این جماعت انشعابی و جریان کومله چیست؟

رحمان حسین زاده:

در مقابل باند انشعابی از کومله سیاست روشنی داریم، ما افشا و منزوی نمودن اینها در صحنه سیاسی کردستان را وظیفه مهم خود میدانیم و آن را ادامه میدهیم. اینها را به عنوان باندی قوم پرست، فالانژ، و دست پخت اتحادیه میهنی به همه میشناسانیم. عدم مشروعیت آنها را در استفاده از نام کومله اعلام کرده و میکوشیم آن را به درک جامعه تبدیل کنیم. تلاش ما اینست انسانهای آزاده جامعه کردستان، آنان

که به جبهه کارگر و کمونیسم متعلقند و همه آنهايي که از کومله دفاع از منافع کارگران و آزادیخواهی را بیاد دارند، سیاست ما را در برخورد به این دارودسته عملی کنند. در برخورد به کومله فعلی واضح است که آنها در یک مقطع حساس بسر میبرند و به نظرم در یک بزخ بسر میبرند، سرنوشت و آینده آنها چه میشود؟ مورد سؤال هر جریان و کسی است که به هر دلیلی وضعیت آنها را تعقیب میکند. در یک سطح کلی هنوز در بین چپ و راست جامعه معلقند، سرنوشت و آینده آنها به کدام سو میچرخد هنوز باز است. رهبری و صفوف آنها یکدست نیست، روش و خط سانتر رهبری شناخته شده آنها راه به جایی نمیرد، اگر بخواهند به عنوان جریانی چپ خود را حفظ کنند چاره‌ای ندارند جز بازگشت به یک سیاست روشن چپ و کمونیستی که در گذشته کومله و بویژه در کنگره ششم آن تدوین شده است. اما متأسفانه رهبری این جریان و مشخصاً رفقایی مثل ابراهیم علیزاده و صلاح مازوجی که از گذشته کمونیستی کومله دفاع میکنند، مثل اینکه برای نجات این تشکیلات از بزخ کنونی راه چاره روشن و چپ را به دست نمی‌گیرند. با خط سانتر و فاصله گرفتن از کمونیسم کارگری که پیشه کرده‌اند حتی امکان حفظ تشکیلات موجود را هم از دست میدهند. نه جناح راست این تشکیلات و نه پایه چپ آنها که عمدتاً در شهرهای کردستان حضور دارند، نمیتوانند با سیاست کنونی این سازمان خود را قانع کنند و دیر یا زود هر کدام راه دیگری را انتخاب میکنند. تجربه بیش از یکدهه تحولات درون کومله همین را اثبات میکند که در پیش گرفتن خط وسط و دید "تشکیلات داری" تنها باعث نیرو از دست

دادن و تحلیل رفتن است و با آن نمیتوان تشکیلاتداری هم نمود. برافراشتن پرچم یک کومله کمونیست تنها راه نجات کومله از بحران ده - دوازده ساله‌ایست که دامنگیر این سازمان است. در این رابطه سیاست ما به وضوح در سخنرانی انجمن مارکس منصور حکمت و در نوشته اخیر کورش مدرسی بیان شده است. ما خواستار وجود و حضور فعال یک کومله کمونیست در صحنه سیاسی کردستان هستیم و در وجود چنین پدیده‌ای ذینفهم و میتوانیم رابطه‌ای نرمال و طبیعی با آن داشته باشیم. اعمال فشار سیاسی ما بر کومله به منظور سوق دادن این جریان در مسیری چپ و کمونیستی است و همزمان ادامه خط ناسیونالیستی و بقایای خط ایلخانی مهتدی و هر نوع راست روی این جریان را زیر ذره بین میگیریم و به آن برخورد میکنیم.

۱- این مصاحبه یک هفته قبل از رادیو انترناسیونال پخش شد. به هنگام تنظیم آن برای نشریه ایسکرا مصاحبه ابراهیم علیزاده با نشریه جهان امروز را دریافت کردم. ایشان به دنبال فشارها و شانتاژهای باند ایلخانی - مهتدی و اطمینان خاطر به آنها و سوپر ناسیونالیستهای خارج کشور و به منظور خنثی کردن "اینگونه ادعاها کار ما را در کردستان عراق با دشواری روبرو کنند" و در واقع اطمینان خاطر به "مام جلال" هم اعلام کرد که نگران نباشند از چپ گرایی در کومله خبری نیست و با حزب کمونیست کارگری "شکاف سیاسی جدی" دارند و همزمان در این مصاحبه از شارلاتانیسم و تهدیدات این باند ارتجاعی با اتکا به اتحادیه میهنی علیه سازمان خود چشم پوشی نمودند. (چه عاقبت و ادامه‌کاری؟!). من در مطلب دیگری با تفصیل بیشتر به مصاحبه ابراهیم علیزاده میپردازم. ***

جوانان مبارز شهر مهاباد ستاد انتخاباتی فلاحیان را هم به آتش کشیدند

روز شانزدهم خرداد جوانان مبارز شهر مهاباد ستاد انتخاباتی علی فلاحیان واقع در محلی بالاتر از چهار راه آزادی را به آتش کشیدند. نیروها و اطلاعات به این بهانه کسانی را دستگیر نموده که تا این لحظه از سرنوشت آنها خبری در دست نیست. در طول یک هفته اخیر این برای بار دوم است که جوانان آزاده شهر مهاباد ستاد انتخاباتی کانیداهای رژیم را به آتش میکشند. بار اول در روز دهم خرداد ستاد انتخاباتی خاتمی در پاساژ ایوبی به آتش کشیده شد. اقدامات مبارزاتی جوانان شهر انعکاس نفرت و بیزاری برحق مردم از جمهوری اسلامی و نمایش "انتخاباتی" آنست.

جلسه گفت و شنود مصطفی تاج زاده در شهر سنندج بهم خورد

در ادامه اقدامات اعتراضی مردم علیه مضحکه "انتخابات" رژیم اسلامی، امروز پانزدهم خرداد جلسه گفت و شنود مصطفی تاج زاده یکی از سران دوم خرداد در شهر سنندج به هم خورد. این جلسه در سالن آزادی برگزار شد. مقامات رژیم اسلامی در شهر سنندج و از جمله رمضانزاده استاندار کردستان و جلالی زاده یکی از به اصطلاح "نمایندگان" در مجلس اسلامی و برخی دیگر از مهره‌های رژیم حضور داشتند. عده‌ای از جوانان و مردم آزاده به منظور ابراز اعتراض و نفرت از رژیم جمهوری اسلامی در این گفت و شنود حضور به هم رساندند. هنوز دقایق زیادی از شروع این جلسه نگذشته

کمیته کردستان

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

email: r_hoseinzadeh@yahoo.com

Tel:0046 739 855 837

سایت روزنه
www.rowzane.com

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!